

پایش بازار انرژی



## پویایی های بازار

قیمت نفت در روز جمعه سوم مرداد ماه ۱۳۹۹، ۴۲ دلار و ۹۰ سنت بر هر بشکه بود. عصر جمعه این مقدار برای نفت برنت دریای شمال در بازار لندن برای تحویل در ماه اوت به ۴۳ دلار و ۳ سنت بر هر بشکه رسید. راه افتادن فعالیت های اقتصادی در گوشه و کنار جهان، درگیری های چندجانبه چین و آمریکا، تعهد اوپک پلاس مبنی بر ادامه دادن کاهش تولید، نگرانی ناشی از بسته شدن خطوط لوله جمهوری آذربایجان به گرجستان و ترکیه در پی بالاگرفتن تنازعات مرزی بین آذربایجان و ارمنستان، و کمتر شدن تولید نفت شیل در آمریکا و کانادا از دلایل عمده این رفتار قیمت نفت است. قیمت نفت وست تگزاس اینترمدییت نیز به ۴۰ دلار در عصر جمعه رسید. قیمت هر میلیون بی تی یو گاز طبیعی نیز به ۱ دلار و ۸۰ سنت رسید.

## تفسیر هفته

۱- چین و آمریکا اکنون در یک جبهه دیگر نیز به تبادل آتش پرداخته اند. علاوه بر جنگ تجاری و جنگ فنآوری، در پس از تعطیلی کنسولگری چین در شهر هیوستون آمریکا در ایالت تگزاس، چین اعلام کرد که کنسولگری آمریکا در شهر چنگدو مرکز ایالت سیچوان را خواهد بست. قبل از آن آمریکا برای اتباع چینی محدودیت صدور روادید، ضوابط تازه برای مسافرت دیپلماتهای چینی در داخل آمریکا، و اخراج برخی از خبرنگاران را انجام داده بود. کنسولگری هیوستون برای چین مهم ارزیابی می گردد، چون چین از این نقطه می توانست در مورد سرقت علمی و یا کپی برداری فنآوری بسهولت استفاده کند. همچنین از این نقطه در تگزاس دسترسی به شرکتها، پالایشگاه ها و بخش بالادستی نفت و گاز آمریکا نیز امکان پذیر بود که این هم برای چین امری حیاتی بود. بخش امنیتی آمریکا چین را متهم می کند که روابط پنهانی با شرکت های دارویی در حومه هیوستون برقرار کرده بود. در برابر آمریکا از طریق کنسولگری خود در سیچوان به وضعیت مسلمانان اویغور در استان سینک یانگ و تحولات بودایی ها در تبت دسترسی داشت. بنظر می رسد که دو کشور به حالت جنگ سرد رسیده اند و اگر مذاکراتی در پیش نباشد، احتمالاً این گونه مقابله به مثل ها باعث کم شدن تجارت بین دو کشور از جمله در مسئله انرژی نیز می گردد. مسئله مهم دیگر، تعهدات آمریکا و چین در زمینه مسائل جهانی همچون تغییر اقلیم، کاهش گازهای گلخانه ای، کمک به سازمان های بین المللی و تعهد به آزادی کشتیرانی در آب های بین المللی است. هر کدام از این مفاهیم توسط یکی از دو کشور می تواند بصورت نسبی نقض شده و توسط طرف دیگر تلافی گردد.

۲- بنادر چین برای واردات نفت خام با کمبود ظرفیت و تراکم نفتکش روبرو شده اند. چین بعنوان بزرگترین واردکننده نفت خام در ماه ژوئن ۱۲,۹ میلیون بشکه و در ژوئیه به مقدار متوسط ۱۴,۴

میلیون بشکه نفت در روز وارد کرده است. چین در نظر دارد که انبارهای نفتی را در استانهای ساحلی بیشتر نماید.

۳- چین دومین اقتصاد بزرگ دنیا و بعبارتی با توجه به شاخص برابری قدرت خرید (PPP) اولین اقتصاد بزرگ دنیا، سومین نیروی نظامی جهان، بزرگترین استفاده کننده از حامل های انرژی، و بزرگترین وارد کننده نفت خام در جهان است. با چنین مشخصاتی سؤال این است که آیا این کشور یک ابرقدرت است؟ آیا یک کشور با اقتصاد توسعه یافته است؟ یا یک کشور در حال توسعه؟ در کنار این آمار، ۴۰۰ میلیون نفر از جمعیت این کشور دسترسی به سوخت های عادی برای آشپزی تمیز ندارند. از طرف دیگر همه ساله نیاز چین به واردات انرژی های متعارف بیشتر می گردد. مطابق آمار بی پی، چین ۲۴ درصد از کل مصرف انرژی جهان را دارد و تازه اعلام کرده که تا ۲۰۳۰ مصرف انرژی در این کشور ۲۰ درصد اضافه خواهد شد. بنظر می رسد که چین در همکاری های جنوب-جنوب هم چنان فعال بوده و خود را یک کشور در حال توسعه می داند. پس رفتار این کشور در استفاده از فناوری های متوسط در صرفه جویی در مصرف انرژی و کاهش گازهای گلخانه ای می تواند برای دیگر کشورهای در حال توسعه سرمشق باشد. پروژه های بزرگی مانند ابتکار کمربند و جاده چین را به رهبری کشورهای در حال توسعه نزدیک کرده است. از طرف دیگر نقش چین در تولید جهانی اقتصادی این کشور را به یک ابرقدرت تبدیل کرده است. شاید چین یک ابرقدرت هیبریدی است. بهر صورت چین در درازمدت نمی تواند هم پروژه های بزرگ اقتصادی را پیش برده و هم به درگیری با آمریکا ادامه دهد. چینی ها در بین مقابله به مثل و راه مذاکره در ماه اوت یکی را انتخاب خواهند کرد.

۴- رهبران اتحادیه اروپا به توافق رسیدند که صندوقی مالی برای بهبود اقتصاد در پس از کرونا با سرمایه ۷۵۰ میلیارد یورو تاسیس نمایند. این صندوق به کشورهایی از اتحادیه که بیشتر از بیماری کووید-۱۹ لطمه دیده اند، توجه دارد. همچنین اعضای اتحادیه توافق کردند که در آینده می تواند مبلغ کمک به اقتصاد کشورها می تواند مضاعف گردد. اکثر کمک ها بصورت وام است.

۵- لیبی دهمین کشور دارنده ذخائر ثابت شده نفت خام جهان از ۲۰۱۱ تا کنون با تنش های سیاسی و درگیری های نظامی گسترده روبروست. دولت وفاق ملی لیبی که از سوی جامعه جهانی به رسمیت شناخته شده، سال گذشته توافق تحدید حدود دریایی را با ترکیه امضا کرد. آنکارا می گوید که قصد دارد از سواحل جنوبی خود تا سواحل شمال شرق لیبی، یک منطقه اقتصادی منحصر بفرد ایجاد کند. تا چند ماه قبل، نیروهای وابسته به ژنرال حفتر تسلط بر اکثر منابع و زیرساخت های انرژی در لیبی را داشتند. اما ترکیه پس از این که نیروهای دولت وفاق ملی لیبی موفق شدند در اوایل ماه جاری نیروهای ژنرال خلیفه حفتر را از طرابلس عقب برانند، پیروزی ژئوپلیتیکی قابل توجهی کسب کرد و اکنون جنگ برای نفت لیبی در سرت متمرکز شده و مصر

تهدید کرده در صورت پیشروی نیروهای وفاق ملی، مداخله خواهد کرد. شهر سرت دروازه ای به تاسیسات نفتی بزرگ لیبی و سنگر مهمی برای ژنرال حفتر است. بر اساس گزارش اوایل پرایس، ترکیه تصور می‌کرد جنگ را برنده شده، اما سرت یک نقطه استراتژیک در این منازعه مانده است به خصوص اکنون که نیروهای حفتر موفق نشده است طرابلس را تصرف کنند. اکنون بازی، بازی کنترل دروازه منتهی به همه تاسیسات نفتی لیبی از جمله پایانه‌های صادرات نفت این کشور است. در هفته گذشته نخست وزیر دولت وفاق ملی با وزیر خارجه قطر در استانبول ملاقات کرد. قطر و ترکیه از دولت وفاق حمایت می‌کنند و عربستان، مصر، روسیه، و امارات از ژنرال خلیفه حفتر پشتیبانی می‌کنند. با این همه در هفته گذشته روسیه و ترکیه که هر کدام از یک طرف دعوا در لیبی حمایت می‌کنند توافق کردند با تشکیل یک کارگروه تلاش کنند تا در لیبی آتش بس برقرار شود.

۶- شرکت شورون پیشنهاد خرید شرکت نوبل انرژی را داده است. شرکت نوبل در فعالیت های بالادستی و همچنین نفت و گاز غیرمتعارف کار می‌کند. شرکت شورون علاوه بر فعالیت ها یافت و گاز در انرژی های تجدیدپذیر مانند خورشیدی نیز سرمایه گذاری می‌کند.

۷- جمهوری آذربایجان و ارمنستان در طول مرزهای شمالی خود به تبادل آتش پرداختند. این تبادل آتش مانند گذشته در اطراف قره باغ علیا و یا در نزدیکی رودخانه ارس نبود، بلکه این بار اختلافات در ناحیه تاووز از دو هفته گذشته شروع شده و تا کنون ۱۶ نفر از نیروهای دو طرف جان باخته اند. مناقشه میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر سر منطقه قره باغ در سال ۱۹۸۸ میلادی آغاز و در سال ۱۹۹۲ به درگیری نظامی کشید. در نتیجه این مناقشه منطقه قره باغ جمهوری آذربایجان و هفت شهرستان همجوار آن به اشغال نیروهای ارمنی درآمد. اختلافات مابین دو کشور تاثیر جدی بر ژئوپلیتیک انرژی در قفقاز جنوبی داشته است. خطوط لوله نفت و گاز از جمهوری آذربایجان تا سواحل دریای سیاه و مدیترانه همراه با هزینه های گزاف گذراندن لوله ها از سلسله جبال قفقاز برای دور زدن ارمنستان و هزینه پمپاژ روزانه نفت و گاز برای دور ماندن از نقاط بحران بوده است. خطوط لوله آذربایجان و خط آهن آذربایجان به گرجستان و روسیه و امور ترانزیتی آذربایجان به ترکیه از منطقه تاووز می‌گذرد. برخی عقیده دارند که مشکلات اقتصادی ناشی از شیوع کووید-۱۹ و سقوط قیمت نفت نیز در شعله ور شدن مجدد اختلافات ارضی بی تاثیر نبوده است. در ۱۵ ژوئیه وزیر خارجه آمریکا هشدار داد که علاوه بر تحریم بخش انرژی ایران، تحریم علیه خطوط لوله ای که در آنها شرکت های انرژی روسی نیز باشند اعمال خواهد شد. این بدان معناست که خطوط لوله ترک استریم، سوئ استریم و بلواستریم که از روسیه، آذربایجان، گرجستان و ترکیه به سمت اروپا کشیده شده است می‌تواند مشمول تحریم آمریکا قرار گیرد. خط لوله تاناب (Trans-Anatolian Natural Gas Pipeline) مابین آذربایجان

و ترکیه، خط لوله باکو-تفلیس-جیهان انتقال دهنده نفت خام آذربایجان به دریای مدیترانه، خط لوله گاز طبیعی باکو-تفلیس-ارزروم به ترکیه، و راه آهن باکو-تفلیس-قارص نیز از همین منطقه می‌گذرد. تجربه تحریم شرکت‌های آلمانی و سویسی دخیل در ساخت خط لوله گاز طبیعی در دریای بالتیک موسوم به نورداستریم ۲ نشان می‌دهد که شاید تهدیدی توخالی از طرف آمریکا نباشد. شکل زیر خطوط لوله و آهن جمهوری آذربایجان که از منطقه تاووز در کنار مرز ارمنستان می‌گذرند را نشان می‌دهد.

